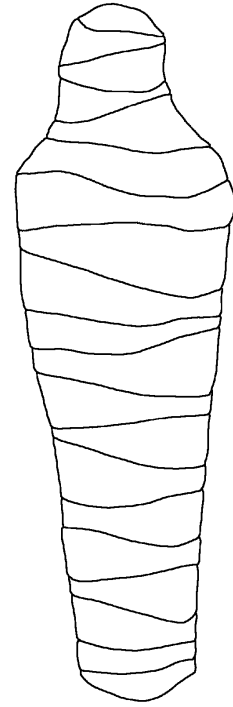


کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می کند

عیسی و ایلعازر



مریم و مارتا بسیار نگران بودند. برادر آنها "ایلعازر" بیماری سختی داشت. خواهرها می دانستند که او به زودی میمیرد، از همین رو آنها شخصی را به دنبال عیسی فرستادند، زیرا عیسی این خانواده کوچک

را دوست
می داشت.

2

نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر:
Janie Forest
Alastair Paterson

بازگویی از: Ruth Klassen

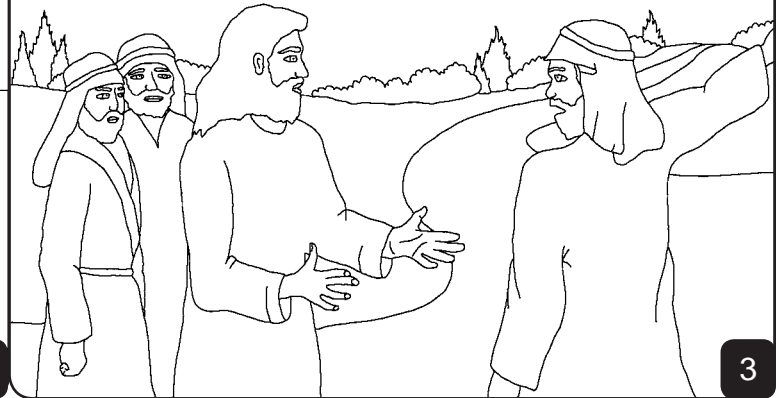
ترجمه شده توسط: آرمین باقری

ناشر: Bible for Children
www.M1914.org

©2021 Bible for Children, Inc.
حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستانها را کپی و یا چاپ
نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

1

وقتی که عیسی درباره بیماری ایلعازر شنید به شاگردان خود گفت: «این بیماری به مرگ ختم نمی‌شود» با اینکه عیسی کیلومترها از آنها دور بود ولی او دقیقا میدانست که چه اتفاقی برای ایلعازر رخ خواهد داد.



3

عیسی دو روز دیگر در آنجا ماند و قبل از حرکت او جمله ای گفت که مانند یک معما برای شاگردان بود «ایلعازر مرده است و من خوشحالم که آنجا نبودم، تا شما ایمان آورید.» این جمله

عیسی چه معنی داشت؟

او چه نقشه ای در سر داشت؟



4

وقتی که عیسی به بیت عنیا رسید، ایلعازر چهار روز بود که مرده بود. بدن او را در گفن

پیچیده و در قبر گذاشته بودند.



5

مارتا به استقبال عیسی رفت. عیسی تا مارتا را دید به او گفت: «برادرت دوباره بر خواهد خواست.» مارتا پاسخ داد: «می‌دانم در روز قیامت او برمیخیزد.» او تصور میکرد که تا روز قیامت باید صبر کند تا دوباره برادر خود را ببیند. اما

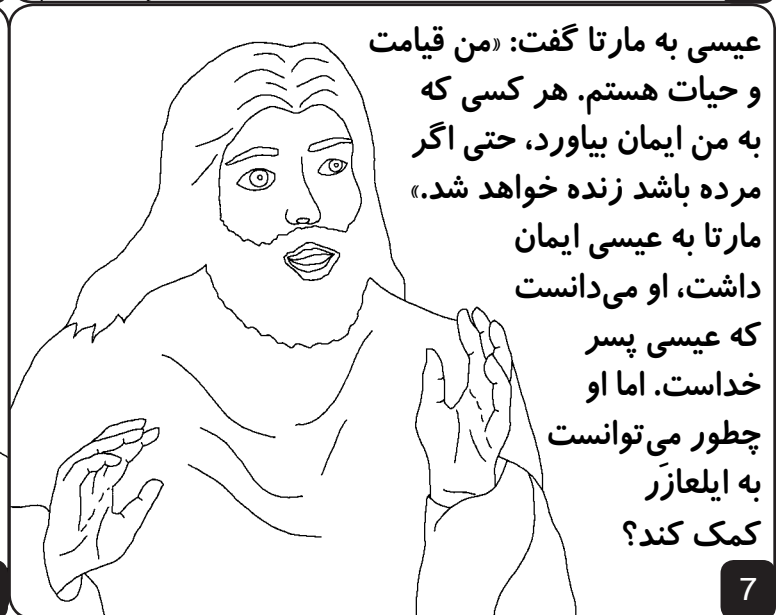
منظور

عیسی چیز دیگری بود.



6

عیسی به مارتا گفت: «من قیامت و حیات هستم. هر کسی که به من ایمان بیاورد، حتی اگر مرده باشد زنده خواهد شد.» مارتا به عیسی ایمان داشت، او می‌دانست که عیسی پسر خداست. اما او چگونه می‌توانست به ایلعازر کمک کند؟



7

همه از مرگ ایلعازر ناراحت بودند. خواهر او "مریم" مدام گریه می‌کرد و دوستانش سعی می‌کردند تا او را آرام کنند، چون عیسی گریه مریم را دید، او نیز گریه کرد.



8

عیسی فرمان داد تا سنگ را کنار بزنند.
مارتا گفت: «سرورم، برادرم
چهار روز است که مرده
است و اکنون جنازه او
بوی تعفن
می دهد.»



10

عیسی به همراه
مردم به سوی قبر
رفت. یک سنگ بسیار
بزرگ جلوی در
ورودی قبر گذاشته
بودند.



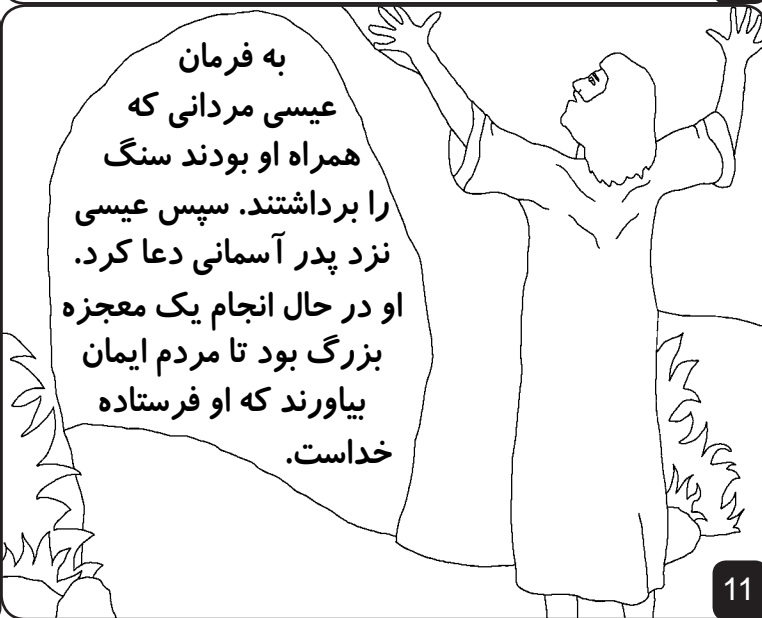
9

عیسی فریاد زد:
«ایلعازر، بیرون بیا.»
مردم به ورودی غار
چشم دوخته بودند و
با خود می گفتند: «آیا
عیسی می تواند مرده ای
را زنده کند؟»



12

به فرمان
عیسی مردانی که
همراه او بودند سنگ
را برداشتند. سپس عیسی
نزد پدر آسمانی دعا کرد.
او در حال انجام یک معجزه
بزرگ بود تا مردم ایمان
بیاورند که او فرستاده
خداست.



11

عیسی به آنها گفت: «دست
و پاهایش را باز کنید و
اجازه دهید برود.»



14

بله!
ایلعازر در
حالی که در
گفن بود از
غار بیرون
آمد.



13

مردمان زیادی که این معجزه را دیدند به عیسی ایمان آوردند. اما برخی نزد سران کاهنان رفته و کار عظیم عیسی را به آنها گفتند. سپس سران کاهنان به مشورت نشستند و نقشه قتل عیسی را کشیدند. عیسی وقتی که از نقشه آنها آگاه شد برای مدتی آنجا را ترک کرد.



16

این کار لذت بخشی بود، گریه به خنده تبدیل شد. عیسی کلام خود را ثابت کرد که گفته بود ایلعازر زنده خواهد شد. تنها پسر خدا بود که میتوانست به یک مرده حیات دوباره ببخشد.



15

پایان

52



60

18

عیسی و ایلعازر

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

یوحنا ۱۱

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

17

داستانهای کتاب مقدس با ما در باره خدایی صحبت می کنند که ما را آفرید و اراده او این است که شما نیز او را بشناسید.

خدا می داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم کارهایی که او آنها را گناه می خواند. مجازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا بر روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. اگر تو به عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را ببامرزد، او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی. خواهش می کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه با تو زندگی کنم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

19